

ان‌گذاری برانتخابات خبرگان؟

ظهور یک جریان

آرمان ملی – «جامعه روحانیت انقلابی» این نام‌تشکل جدیدی است که در ۱۶ دیماه، مرتضی استقامت از تشکیل آن خبر داد. بر اساس آنچه او درباره این تشکل حوزوی گفته، «این مجموعه از زنان و مردان طلبه» تشکیل شده و همچنین «برای انسجام بخشی و توانمندسازی گروه‌های انقلابی و جهادی در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی» متمرکز است. اما چه کسانی در این تشکل عضو هستند؟ آیا جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از تشکیل همچنین تشکلی حمایت می‌کنند؟ علت تشکیل آن چیست؟ این‌ها بخشی ازسوالی هستندکه در پی ایجاد «جامعه روحانیت انقلابی درآهان شکل گرفته است. هر چند که تاکنون اعضای جامعه روحانیت مبارز درباره این تشکل اظهار بی‌اطلاعی کردند، اما در گزارشی که خبرگزاری آقامیری، از اعضای فعلی شورای شهر، یکی از اعضای موسس تشکل «جامعه روحانیت انقلابی» است.

استقامت و آقامیری

سید محمد آقامیری، متولد ۱۹ خردادماه سال ۵۴ است که توانست در جریان انتخابات ششمین دوره شهر و روستا، با کسب ۲۸۸، ۴۳۳ رأی، وارد شورای شهر تهران شود. او که از چهره‌های حامی علیرضا زاکانی، شهردار تهران نیز هست، درباره تشکل ۱۹ نفره جامعه روحانیون انقلابی توضیحاتی به خبرگزاری خبرنگرانین داد و حتی دادن لیست برای انتخابات شورای شهر را تکذیب کرد. او درباره اهداف این مجموعه بیان کرد: «ما اگر بخواهیم در برنامه‌های انتخاباتی نقشی داشته باشیم، به صورت مستقیم در خبرگان رهبری هستیم و نهایتاً با تأیید همه اعضای شورای مرکزی و هیات موسس در انتخابات ریاست جمهوری نقشی ایفاکنیم که آن هم به صورت مستقیم، یعنی فعالیت‌های ما بیشتر در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و جهادی است و ما حتی بحث کار را به صورت ملی و بین‌المللی می‌بینم، به این صورت که با گروه‌های مقاومتی و فعالی که در سطح منطقه در حال فعالیت هستند و شناخته شده‌اند، ارتباط می‌گیریم چراکه بخشی ازسیاست‌های نظام و منویات رهبری هم افزایشی و تقویت گروه‌های مقاومت و ارتباط با گروه‌های مقاومت در سطح منطقه است. لذا جامعه روحانیت انقلابی اقدامی ملی وفراملی است و بحث‌های کوچکی نیست که ما در حوزه‌های محلی انتخابات شوراهاومجلس شرکت کنیم، بنابراین بحث فراتر از این بحث است. « ما مرتضی استقامت نیز از اعضای شورای شهر مشهد بوده که تحصیلات خود را در سطح ۳ مدیریت اسلامی و دانشجویی دکترانگازنده است. او هم درباره تشکیل این تشکل به خبرنگرانین گفته: «قبلاً بحثی تحت عنوان روحانیون و روحانیت مبارز داشتیم که با توجه به اتفاقاتی که افتادان این‌کته به ذهنمان رسید که ماالن در جامعه به روحانیت انقلابی نیاز داریم که در جامعه باشد و از خواهران و برادرانی که در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کنند، درآن حضور داشته باشند،لذافکری شکل گرفت و هیات موسسی حدود ۱۸، ۱۹ نفراعم از خواهران و برداران در حوزه تشکیل شدند. اساسنامه، مرامنامه و امور ثبت آن هم در حال انجام است. درصدد هستیم بعد از شناسایی افراد مجمع عمومی را تشکیل بدهیم، که بعد ازتشکیل آن اساسنامه‌ای که پیش‌نویس آن تهیه شده به رأی‌گیری گذاشته می‌شود که اگر تصویب شد یکی از بحث‌های آن بحث‌تشکیل شورای مرکزی برای مستقیم مجمع عمومی است. اگر این شورا شکل بگیرد، هیات موسسی که پیش از یک سال است جلسات مختلفی برای همفکری برگزار می‌کند، نقش خود را به این شورای سپارد و کار به سمت تثبیت می‌رود.»

پی‌خبری از تشکل جدید

بی‌اطلاعی اعضای جامعه روحانیت مبارز ازتشکل جامعه روحانیت انقلابی این سوال را ایجاد کرد که آیا اعضای جامعه مدرسین از آن خبر دارند یاخیر؟ هر چند که برخی از چهره‌های این تشکل روحانی نشین قم پاسخ منفی به درخواست گفت‌وگو دادند، اماپیگیری از دیگر اعضاحکایت از آن داشت که آنان هم اطلاع‌ی درباره این تشکل ندارند. آیت‌ا… حسینیی بوشه‌ری درباره این تشکل تنهابه این جمله که «از مدیر حوزه سوال کنید»، اکفکار کرد. آیت‌ا… مرتضی مقتدایی، مدیر حوزه علمیه قم و دیگر عضو جامعه مدرسین، در واکنش به اعلام موجودیت جامعه روحانیت انقلابی گفت: ما خبر ندارم و نمی‌دانم چه کسانی عضوان هستند. درباره این تشکل تحقیق می‌کنم و اگر اطلاعی پیدا کردم، خبر می‌دهم. وی در پاسخ به این سوال که آیا این گروه انشعابی از جامعیتن محسوب می‌شود، اظهار کرد: خیر. آیت‌ا… علی اکبر مسعودی خمینی، درباره جامعه روحانیت انقلابی بیان داشت: درباره واقعیت این تشکل بی‌اطلاع هستم. علی بنایی، از دیگر روحانی شاخص قم، ضمن اظهاربی‌اطلاعی درباره این تشکل گفت که به این مساله ورود نخواهد کرد. حسین جلالی، رئیس دفتر سابق آیت‌ا…مصباح یزدی تأکید کرد که این تشکل بی‌اطلاع بوده و این قول را داد که پیگیر این ماجرا خواهد بود.

یکشنبه	
۰۷ • ۱۱ • ۱۴۰۳	
۲۵ رجب ۱۴۴۴ / ۲۶ ژانویه ۲۰۲۵	

سال هشتم

شماره ۲۳۱

armanmeli.ir

گزارش «آرمان ملی» از احتمال بالای تصویب FATF در مجمع تشخیص

راهکار حل مشکلات بانکی با جهان

◀ **علی لاریجانی: امیدواریم به راه حل معقولی برسیم** ▶ **مهدی پازوکی در گفت وگو با «آرمان ملی»:** «عدم پذیرش FATF در داخل خودتحریمی است



نظرات در مجمع تشخیص یک‌دست باشد و اعضای حاضر در مجمع نظرات متکثری دارند و همین نکته باعث می‌شود که همچنان امیدها به تصویب این لایح در مجمع زنده بماند. از سوی دیگر نیز به نظر می‌رسد با توجه به اینکه متحدین راهبردی ایران مثل روسیه و چین و سایر کشورهایی که با ایران در مراده هستند و خود در FATF حضور دارند این اظهار را از ایران دارند که به طور کامل به FATF بپیوندند که در مناسبات و مراودات اقتصادی با ایران دچار مشکل نشوند. با این حال آنچه که مسلم است بسیاری بر این باورند که وقتی مقام معظم رهبری دستور بررسی مجدد دادند اعضای مجمع نیز با رویکرد جدید به بررسی این لایوح خوادند پرداخت و همین موضوع احتمال تصویب پالرمو و CFT را بالاتر می‌برد.

بررسی دوباره

یک کارشناس مسائل اقتصادی در خصوص لزوم تصویب لایوح FATF اظهار داشت: مشکل ما فقط FATF نیست و قرار است که سیستم بانکی ایران با دنیا کار کند و اگر می‌خواهیم چنین اتفاقی بیفتد حتی تحریم‌ها هم برداشته شود، اما FATF را نپذیریم می‌تواند تبعات منفی را داشته باشد نوعی خودتحریمی است. مهدی پازوکی به «آرمان ملی» گفت: بنابراین من امیدوارم که این FATF تصویب شود. گمانی‌یکه مجلس و شورای نگهبان هم آن را تایید کرده‌اند. حال مجمع تشخیص درست شده تا اگر در جایی به بن بست رسیدیم مشکل را حل‌کند. اما اکنون مجمع تشخیص چند سال است که این لایوح را بلا تکلیف گذاشته و آن را تعیین تکلیف نمی‌کند و به قانون‌گذاری مشغول است. لایوح CFT و پالرمو در شرایطی تایید نمی‌شود که ایران خود قربانی تروریسم است. وی افزود: مجمع تشخیص فقط باید مصلحت کشور را در نظر بگیرد و در هیچ وجه نباید با ورود به جبهه‌گیری‌های سیاسی، به سدی

«آرمان ملی» در گفت وگویی بررسی می‌کند

دولت به دنبال نخبگان

◀ **آرین منش: نخبگان انگیزه‌ای برای مدیریت ندارند**

آرمان ملی – گروه سیاسی؛ هرچه در دولت قبل بر خالص‌سازی تأکید شده و طرد افراد غیر همسو از دستگاه‌های دولتی صورت گرفته بود، گویا در این دوره و بر روی کار آمدن دولت چهاردهم جذب نخبگان یکی از تدغغه‌های رئیس‌جمهوری محسوب می‌شود روندی که شاید با توجه به فاصله نخبگان از حاکمیت حتی به نتیجه نرسد. جذب نخبگان به دولت حالا به چالشی برای حکمرانی تبدیل شده است به نوعی که مسعود پزشکیان مجبور شده از واژه دربه در به‌دنبال مدیران کارآمد استفاده کند. رئیس‌کابینه چهاردهم در حاشیه بازدیدها از نمایشگاه «پیشگامان پیشرفت» در جمع خبرنگاران گفت: «از یک طرف ما داریم دو همه سفرها بسترها و موانع برای بخشی خصوصی جهت تجارت در خارج برمی داریم. از آن طرف خودمان دربه در به دنبال افرادی هستیم که بتوانند مشکلات کشور را حل‌کنند. هرگز بی‌فراقتری و مشکلی که از طرف ما وجود داشته باشه حذف خواهیم کرد». چنین اظهارتی خبر از بحرانی شدن وضعیت دارد و شاید اکنون هم برای جذب مدیران کارآمد و تشویق طبقه نخبه برای حضور در طرح‌های توسعه و بهبود وضعیت مدیریتی در کشور شده باشد. در سال‌های اخیر مهاجرت نخبه‌ها یکی از چالش‌هایی محسوب می‌شد که همواره از سوی تحلیلگران مورد تذکر قرار می‌گرفت ولی گویا اهمیتی برای ارگان‌های حاکمیتی نداشت و شاید بر این گمان بودند که می‌توانند بدون طبقه نخبه کشور را مدیریت کنند. در این مورد با یکی از تحلیل‌گران سیاسی گفت‌وگو کرده‌ایم. آرین منش معتقد است که دولت اختیارات محدودی برای برطرف‌کردن این موانع دارد ولی نمی‌تواند جاذبه‌ای برای نخبگان ایجاد کند. در ادامه این مصاحبه رامی‌خوانید.

دافعه و جاذبه دولت

جواد آرین منش، تحلیلگر سیاسی و نماینده ادوار مجلس شورا در واکنش به اینکه دولت دربه در به دنبال مدیران برای بهبود وضعیت کشور است، به خبرنگار آرمان ملی می‌گوید: «حضور نخبگان در دستگاه‌های اجرایی و در اسر امور کشورداری یکی از مهم‌ترین عوامل کلیدی در توسعه و پیشرفت کشور است. حضور نخبگان باعث ایجاد تحول، نوآوری، خلاقیت، زمینه‌ساز حل بحران‌های کشور، بهبود

آرمان ملی

سیاست

گزارش

سفر عراقچی به افغانستان

رفاقت یا نمایش قدرت؟

آرمان ملی – خبر کوتاهی در سه روز گذشته موضوع بحث‌ها و گفت‌وگوهای کارشناسی مختلفی شده است: اینکه «سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه به افغانستان سفر خواهد کرد.» این نخستین سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به کابل پس از روی کارآمدن دوباره طالبان است. پیش از این بالاترین مقام ایرانی که در سه و نیم سال گذشته به کابل سفر کرده وزیر نیرو بوده است که با توجه به فنی و غیرسیاسی بودن موضوعات آن سفر، وزیرخارجه مهم‌ترین سفر در این مدت تلقی می‌شود. باید توجه داشت که در این مدت تنها وزرای امور خارجه ترکیه، قطر، پاکستان و عربستان سعودی به این کشور سفر کرده‌اند. اما چرا این سفر اینقدر بحث‌برانگیز است؟ در طول چند سال گذشته درباره نوع تعامل با طالبان دو جریان نظری و کارشناسی در کشور وجود داشته است. جریان‌ی که حل مسایل دو جانبه، تأمین منافع کشور و دست بالا داشتن در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را در گرو دوستی و نزدیکی با طالبان و چشم بستن بر برخی بدعهدی‌ها و بی‌حرمتی‌ها می‌داند و جریان مقابل که قائل به اتخاذ دیپلماسی عزت در برابر حکومت سرپرست افغانستان و توجه به سرمایه‌های اجتماعی عمیق ایران در پهنه تمدنی خود است. به نظر می‌رسد چرایی این بحث عمیق که پیچیدگی گسترده نظام مسایل ما با افغانستان تحت حاکمیت طالبان باز می‌گردد که امکان آن را به کارشناسان می‌دهد که هر یک از یک سطح تحلیل متفاوت به موضوع پرداخته و در نتیجه نسخه‌ای متفاوت ارائه دهند. اما اگر بخواهیم تیر و وار نظام مسایل پیچیده خود با طالبان را برشماریم می‌توان در یک دسته بندی این مسایل را فهم ماهیت طالبان، گستره مسایل دو جانبه و جایگاه افغانستان در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دانست.

با کدام هدف؟

در بحث طالبان فهم و پاسخ به سه سوال اساسی در تنظیم روابط دو جانبه راهگشا خواهد بود نخست، روانشناسی طالبان، آیا در تعامل با این گروه برآمده از یک نظام فکری و فرهنگی قبیله‌ای که هنوز دست کم در هسته سخت قدرت خود در قند هار مسایل را با همان ارزش‌های فرهنگی تحلیل می‌کند، القای رفاقت و دوستی کارساز خواهد بود یا نمایش عزت و قدرتمندی؟ دوم، داشتن تحلی درست از جناح بندی‌های داخلی طالبان و حجم و سطح و جایگاه قدرت هر کدام و از همه مهمتر گرایش‌های پایدار هر یک در تعامل با بازیگران بیرونی. در نهایت پاسخ به این پرسش اساسی درباره احتمال مانایی این گروه در قدرت و نوع این ماندگاری است که نوعی آینده پژوهی مبتنی بر تحلیل داده‌های فراوان را طلب می‌کند. دسته دوم، گستره جدی مسایل دو جانبه دو کشور است که شاید از این منظر هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که فهرست مسایل دو جانبه‌اش با ما اینقدر پرمشار باشد. این موضوع خود می‌تواند موضوع یادداشت‌ها و مقالات متعدد باشد. اما به صورت کلی در حوزه امنیت ثبات مغرب‌زری، حضور گروه‌های تروریستی معارض در خاک افغانستان، سرریز و الهام بخشی مدل حکمرانی طالبان به سایر جریان‌ات افراطگرای اهل سنت در سراسر منطقه را می‌توان برشمرد. در حوزه اقتصادی، لزوم طراحی مدل پایدار پیوستگی اقتصادی دو کشور در زمینه‌های متعدد از معدن، کشت فراسرزمینی و اتصال کریدورهای ترانزیت کالا و انرژی در صورت فهم و خواست و اراده طرف مقابل می‌تواند زمینه‌ساز حل بسیاری از مشکلات دو کشور شود. در حوزه‌های اجتماعی در نگاه نخست کلان مساله موجود، مساله مهاجرت گسترده اتباع افغانستان به ایران است که بخش عمده‌ای از ایشان به ویژه در موح اخیر از ساختار نظام طالبانی به ویژه محدودیت‌های اعمال شده حوزه‌های اجتماعی و وختامت اوضاع اقتصادی و در پاره‌ای موارد تهدیدات جانی و مالی زندگی در غربت را برقرار در وطن ترجیح داده‌اند و جالب است که به دلایل مختلف دست کم بخشی از بدنه حاکمیت طالبان چندان هم از این موضوع ناخشنود نیستند. اما در این حوزه ما با مسایل مهم دیگری از جمله سرنوشت زبان و تمدن فارسی و مذهب شیعه در این سرزمین هم مواجه هستیم. به این مسایل مهم دو موضوع اساسی آب و مواد مخدر را هم اضافه کنید تا این منظومه تکمیل شود. دو موضوعی که به صورت مستقیم امنیت داخلی کشور و در یک نگاه بلندتر حتی امنیت داخلی افغانستان را تهدید خواهد کرد. طالبان با فهم این سنت سیاسی دست کم دوستان عالی در ساختار قدرت افغانستان مبتنی بر اهمیت بازیگران بیرونی و لزوم بر حفظ پیوند با این بازیگران، از ابتدای روی کار آمدن خود تلاش کرد تا نوعی موازنه تعامل را در سطوح مختلف برقرار سازد. موازنه بین هند و پاکستان در مدحه و منطقه‌ای، موازنه بین محور ریاض – ابوظبی و آنکارا در رقابت گفتمانی در سطح جهان اهل سنت و موازنه بین چین و ایالات متحده در سطح بین‌المللی و همچنین تأمین منابع مالی پایدار. این تلاش همراه با توجه به دو بازیگر دیگر یعنی جمهوری اسلامی ایران و روسیه وضعیت پیچیده‌ای را در فهم مناسبات بیرونی طالبان ایجاد کرده است. اما مهم این است که تصور این‌که طالبان بدون توجه به خواست سایر بازیگران و فهمی که از نظام بین‌الملل دارد، جمهوری اسلامی ایران را در اولویت تعامل خود قرار خواهد داد، کمی دور از ذهن تلقی می‌شود. در نهایت باید گفت نقطه ابهام اصلی درباره سفر وزیر خارجه هدف از این سفر است. آیا وی که اتفاقاً سابقه طولانی در ورود به پرونده افغانستان و شناخت ابعاد مختلف آن دارد، به دنبال انتقال پیام جدید به سایر بازیگران است؟ یا به دنبال حل بخشی از مسایل دو جانبه و دریافت امتیازی قابل قبول از حاکمان سرپرست افغانستان است؟ رسیدن به هر یک از این اهداف سخت خواهد بود. اما باید امیدوار بود که با اتخاذ دیپلماسی عزت پیام درستی به طرف مقابل منتقل شود که اصل برای جمهوری اسلامی ایران مردم افغانستان است و ایران از قدرت کافی برای حل مسایل خود با همسایه شرقی برخوردار است.

چهاردهم آورده می‌شود باعث حاشیه‌سازی شده است که کیفیت دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افراد قاعدتا باید از فیلترهای مختلفی برای ورود سیستم دولتی عبور کنند ولی این موانع به نوعی است که اکثریت حاضر به پذیرش آنها نیستند چون نه دلیلی می‌بینند و نه انگیزه‌ای برای خدمت به کشور برایشان به‌وجود می‌آورند. با در کنار هم قراردادن این مجموعه مسائل سیاسی و فکری می‌بینیم دافعه برای حضور نخبگان در دستگاه‌های دولتی بیش از جاذبه‌ها است و به همین دلیل جذب آنها برای دولت کاری دشورا خواهد بود.» نماینده ادوار مجلس شورا در پاسخ به این سوال که آیا دولت و شخص پزشکیان می‌تواند در ادامه این موانع را برای جذب طبقه نخبه کنار بزند، اضافه می‌کند: «رئیس‌جمهوری در زمینه‌هایی اختیاراتی دارد و در برخی زمینه‌ها هم اختیارات محدودی دارد. در حوزه مسائل امنیتی و تأیید صلاحیت‌ها دولت چهاردهم هفت سال راپشت سر گذاشته است. بنابراین اینطور نیست که هر نخبه‌ای را که دولت بخواهد به کابینه اضافه کند بتواند در آینده به یاستور بیاورد. در پرداختی به نیروها هم چارچوب‌هایی وجود دارد که کار دولت را محدودتر می‌کند، به‌نظر آقای پزشکیان چنانکه از روز اول کارزار انتخاباتی بر آن تأکید دارد، به‌لایگیری نخبگان در بدنه دولت است در این زمینه حدودی در برخی موارد توفیق داشته ولی در برخی از موارد موفقیتی به‌دست نیاورده است.»

فرار مغزها

فرار مغزها که به مهاجرت متخصصان و نخبگان علمی از ایران اشاره دارد که یکی از معضلات اجتماعی، اقتصادی و آموزشی کشور محسوب می‌شود. همواره آمارهای متفاوتی در این زمینه منتشر شده‌است اما بنا بر آمار مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹، ۶۰ هزار نفر از ایرانیانی که در این سال مهاجرت کرده‌اند در زمره مهاجران نخبه دسته‌بندی می‌شوند. این افراد غالباً دارای مقام‌هایی در المپیاد‌های علمی بوده یا جزو نفرات برتر کنکور یا دانشگاه‌ها هستند، اما درصد قابل توجهی از دانش‌آموختگان علمی هنوز تمایل دارند به کشورهای پیشرفته مهاجرت کنند. صندوق بین‌المللی پول در گزارش سال ۲۰۰۹ خود اعلام کرده است ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، در میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه نیافته جهان، مقام نخست را در اختیار دارد. این در حالی است که همچنان برخی مسئولان فرار مغزها از ایران را منتفی می‌دانند. صندوق بین‌المللی پول، بیکاری، سطح پایین درآمد استادان و نخبگان، نارسایی‌های مالی و اداری، کمبود امکانات تخصصی، علمی، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی را از جمله دلایل مهاجرت ایرانیان ذکر کرده‌است.